

بصورت اعیان و قابلیات و حسیذ اصناف ذکر محبت از من است
مصدر باشد بعلتش و مراد بسبب است و بسبب است در جهان
زمان یا حقیقت سکر در مراتب بجز از آن فروتر و بجز کمترین
وجود عینی یعنی قابل دستبرد استیم نزدیکی علی غشی حسی سجانده و
بصورت اعیان نامیده در حضرت علم در صفت محبت دانسته
را که بسبب است و سکر با بود در جهان مرتبه با موصوفت
سکر در مراتب در بجز از آن فروتر و این قبول است و در پیش از
ظهور کثرت وجودی یعنی بود **ربانی** خوش آنکه هر چه از عالم
سزای آن در راحت روح دیده ما ز محبت حق در ز او بچشم
عدم کرده وطن پس بود عشق تو و عشق تو من **و شاید که**
مراد بشیرت ملائکه حقیقی بصفت محبت باشد در عالم ارواح
و حسیذ اصناف ذکر کجب از قبیل اصناف مصدر است و بجز
و مراد بسبب حقیقت سکر یعنی حیرت و پیمانه که ارواح کل را
در مشاهده جمال و جلال حسی سجانده بوده باشد یعنی مشاهده
پیش از نفس جان بین و تعلق روح به بدن بر یاد و در پیش از

شراب محبتی را که هست و حیرت ارواح ما در مشاهده جمال
و جلال او با آن شراب بود **ربانی** زبان پیش که حضرت خلق
در ظلمات و در چشمه تن روان شود آب حیات خوردم عشق
ز پیمانه ذات **ب** کام در بان جام است و صفا **سؤال** اگر کسی
گوید که توجیه مافی موقوف است بر وجود ارواح پیش
از مشاهده و این مسلم است زیرا که مذنب چکما و آن است که
وجود ارواح بعد از حصول مرتبه و تسویه استیجاب است
و امام حجة الاسلام رحمه الله علیه با ایشان موافقت کرده است
و آن چیز مشهور است که آن الله تعالی خلق الارواح قبل از اجساد
بالبغی نام بر آن عمل کرده که مراد با ارواح ارواح ملائکه است
که مبادر است و وجودند و در سان چکما بعد از قبول **بصورت**
و مراد با اجساد اجساد عالم که عرش و کرسی و فلک و نجوم و کواکب
جواب که هم که شیخ کامل محیی شیخ صدر الدین قونوی
در سنه در بعضی رسائل خود ایجاب حقیق و نفی است
و نورش آن است که وجود نفوس حسیه آن است که هم